

رودس، به روسیه برود. سپاهیان شاه عباس کم کم لاهیجان را در حلقه محاصره خود درمی آورند. کیا فریدون، مسئول آوردن زنان دربار خان احمد به رودس است. او به خان احمد خیانت می کند و زنان دربار را به طرف پارک شاه عباس می برد. خان احمد، در لحظه ای بحرانی، به همراه محمد امین، دل به دریا می زند و به طرف روسیه فرار می کند. از آنجا که عبادالله رنجبر خود بازیگر و کارگردان بنام تئاتر گیلان بود، به هنگام نگارش اثر، تمسیدات صحنه ای آن را نیز در نظر داشت. نویسنده در شروع هر پرده و یا در بین صحنه های مختلف، تصاویر چاپی را روی کاغذ نمایشنامه چسبانده است تا به هنگام اجرا، راهنمای کارگردان، مدیر تهیه، دکوراتور... باشد. برای مثال در صحنه ۵ نسخه دستنویس، عکسی از بنای یک ساختمان حکومتی و در قسمت بالای آن، تصویر یک زن دیده می شود. در پرده دوم صحنه ۲۲، چهار تصویر چاپی قرار دارد. یک تصویر، راهنمایی برای انتخاب لباس کار کارگردان احمد است و تصاویر دیگر کمکی است برای کارگردان در انتخاب شخصیت کیا فریدون، امیر منایت بیگ و... این نکته قابل ذکر است که اغلب تصاویر چاپی پیوست این نمایشنامه، خارجی است. نویسنده برای همسان کردن ویژگی های این تصاویر با شخصیت های نمایشنامه، راهنمایی های لازم را نیز در زیر تصاویر می نویسد. از نکات جالب توجه دیگر این اثر، صورت مفصل کلیه ملزوماتی است (در چهار صحنه و ۱۲۱ مورد) که باید برای صحنه و بازیگران فراهم آورده شود.

بدون شك، عبادالله رنجبر، از تمامی تجربیات اجرایی

خود در تئاتر، برای نوشتن این نمایشنامه سود جسته است. جای تمجیب است که رنجبر و دیگر کارگردان های گیلان، تا آنجا که ما می دانیم، ایس اثر را اجرا نکرده اند - رنجبر نشان می دهد که عناصر تراژدی را می شناسد و تسلط به قوت و فن نمایشنامه نویسی دارد. و در مجموع، کلامش یک دست و روان است. او در نگارش این اثر، همانند یقیکیان در نگارش انوشیروان عادل و مزدک - گرفتار جو تاسیونالیستی دوره رضاشاهی است. رنگ این تمسب به قدری تند است که خان احمد، حتی در زمانی که سپاهیان حکومت مرکزی، لاهیجان را محاصره کرده اند، به شاه عباس می گوید، شاه عباس کبیر! صرف نظر از این نکته، از آنجا که نویسنده، مخاطبین خود را می شناسد، این تمایل در اثرش دیده می شود که این تراژدی را - ظاهر! برای ارضاء تماشاگران - با مایه های کمدی همراه سازد. عنصر به ظاهر کمدی این اثر، کیا فریدون است. کیا فریدون هرگاه وارد صحنه می شود، باید از جملاتی - بدون ارتباط با ساختار نمایش - استفاده کند تا مردم بخندند.

در مجموع، نمایشنامه شاه عباس کبیر و کار کیاخان احمد (خان گیلان)، سند معتبری است برای شناخت نمایشنامه نویسی آغاز دهه دوم ۱۳۰۰ در گیلان و ایران.

در سال ۱۳۱۸، نمایشنامه «عروس تاریخی پارس» در ده پرده توسط آریمانی نوشته می شود. نسخه دستنویس این اثر در ۴۷ صحنه، در دست نگارنده است. از نویسنده این نمایشنامه هیچ گونه اطلاعی به دست نیاورده ام و معلوم نیست آثار دیگری از وی به جا مانده یا نه؟ «عروس تاریخی پارس» نمایشنامه نسبتاً بلندی است که با استفاده از وقایع تاریخی حکومت هخامنشیان نوشته شده، و نویسنده سعی دارد تا

دیگر این نویسنده است پیرامون جنگ نخست خان احمد گیلانی با شاه تهماسب. فریدون نوزاد چند اقیاس از داستانهای خارجی به صورت نمایشنامه نیز داشته است که معروفترین آنها «تیر باران شده سبیده دم» اثر مورس دو کیرا بود. این آثار بارها و بارها در گیلان به روی صحنه رفته است. نوزاد حدود صد نمایشنامه رادیویی نیز نوشته که متأسفانه چمگلی آنها در دو دفتر بزرگ جمع وری شده بود و گم شد. او احتمالاً بعد از کناره گیری از تئاتر در سال ۱۳۳۲، نباید اثر نمایشی دیگری نوشته باشد. نکته قابل توجه در آثار نوزاد، حضور زندگی روزمره مردم در نمایشنامه است. تا این زمان، اغلب نمایشنامه ها درونمایه تاریخی داشته است. اگرچه اغلب آثار این نویسنده تاریخی است، ولی او در نمایشنامه های «محکومین محیط»، «نازیا یا عشق و خیانت» و «در منجلاب بدبختی»، با نگاهی انتقادی، زندگی مردم اقصای پایین دست را به تصویر می کشد. زندگی مالامال از فقر و نکبت انسان، در این گونه آثار نوزاد، در ارتباط با شرایط اجتماعی، شکل می گیرد.<sup>۲۱</sup> از همین روست که در نمایشنامه «محکومین محیط» یا خانواده بپجود کارمند دون پایه ای رو به رو می شویم که گرسنگی و سرگت آنها را در آستانه نیستی قرار داده است. مادر در خانه مریض است و کودکان غذا برای خوردن ندارند و پدر، فقط یک کارمند دون پایه است. مجموعه شرایط اجتماعی و نیز وضعیتی که این خانواده در چنین شرایطی دارد، آنها را تبدیل به محکومین محیط کرده است. نوزاد، در این اثر شرایط اداری زمان خود را مورد بررسی قرار می دهد. دید تیزبین او، این اثر را تبدیل به یک نمایش انتقادی - اجتماعی کرده است. «اعتیاد»

انتقال دهنده اطلاعات تاریخی و عظمت حکومت هخامنشیان باشد. از نکات ظریف این اثر به تصویر در آوردن صحنه هایی است که در خارج از قلمرو ایران قرار گرفته است: نمایندگان دربار ایران، برای خواستگاری دختر آمازیس فرعون مصر، به این کشور می روند. در این فضا، سه تن از فراعته مصر که در اهرام سه گانه آرمیده اند، هر یک داستان زندگی خود را برای تماشاگران بازگو می کنند. این اثر گرچه نشان دهنده حضور استعدادی نو در قلمرو نمایشنامه نویسی آن دوران بود، ولی دارای لغزشهای آشکاری در ساختمان است. بعد از سال ۱۳۲۵، با ترجمه نمایشنامه های باارزش در ایران، اجرای نمایشنامه هایی چون ریش تراش اشبیلیه، ریشارد دارلینگتون، ولین... در گیلان، فصل دیگری از تکنیک نمایشنامه نویسی را برای نویسندگان گیلان گشود. فریدون نوزاد بازیگر، کارگردان و پژوهشگر پرتلاش گیلان، در این دوره، استعداد نویسندگی خود را در بوته آزمایش می گذارد. نمایشنامه در راه مکه یا شهادت خواجه نظام الملک او در سال ۱۳۲۴ چاپ می شود.<sup>۲۲</sup> ایشان در نامه محبت آمیزی برای من، بخشی از آثار خویش را بدین شرح، نوشته اند: «در راه مکه یا شهادت خواجه نظام الملک»، «محکومین محیط کارمند» (چاپ شده به صورت پاورقی در روزنامه گیلان ما، رشت)، «نازیا یا عشق و خیانت»، «در منجلاب بدبختی»، «مجاهد» (این نمایشنامه درباره تیر و هوای جنگل با روسپا و انگلیسی ها در منجیل است و در آن زندگی پرافتخار محمود خان ژولیده، از سرداران نهضت پرآوازه جنگل تصویر شده است - «برای آزادی ایران» (درباره مبارزین راه مشروطیت گیلان برای حمله و تسخیر تهران). «بعد از نوبیدی» اثر

ناشی از شرایط اجتماعی، درونمایه اثر دیگر او به نام «منجیلاب بدبختی» است. رئالیسم نوزاد در این آثار، با احساسات بسیار قوی در پرداخت آدمها همراه است.

رحیم روشنیان یکی دیگر از نویسندگان تئاتر در گیلان است. او نمایشنامه «مرده‌یاد جنگ» را در سال ۱۳۲۵ نوشت و نیز نمایشنامه‌ای از ترکی به فارسی ترجمه کرد. نام این نمایشنامه «سویل» اثر جعفر جبارلی است که در ۵۶ صفحه نشر یافته. متأسفانه برای ارزیابی آثار روشنیان، هیچ نمونه‌ای در دست نیست.<sup>۲۲</sup>

محمدعلی افراشته نمایشنامه‌ی کم‌دی اخسوی زاده را در آغازین این دهه نوشت. پسر جوانی را نندۀ پولسدار خود است. عمو همه چیز را حسابگرانه بالا و پائین می‌کند. جوان حتی حق ندارد که به او عمو بگوید. وقتی جوان در یک لاتاری برنده می‌شود، ورق برمی‌گردد و اطرافیانش به چشم دیگری او را می‌بینند. «شوهر خواهر» نمایشنامه دیگر محمد علی افراشته است. یک بازاری، توسط تروریست‌ها، تلفنی مورد تهدید قرار می‌گیرد. یک آب حوضی اهل آذربایجان، در خانه بازاری را می‌زند. بازاری او را اشتباهاً به جای یکی از تهدیدکنندگان می‌گیرد. با احترام او را به خانه می‌برد و می‌خواهد خواهر بیوه‌اش را به عقد او درآورد. بعد متوجه می‌شود که او واقعاً یک آب‌حوضی است و تلفن هم یک شوخی بوده است...

«کم‌دی خودکشی» و «مسخره‌بازی» از آثار دیگر اوست. علاوه بر این نمایشنامه‌ها، در قالب تمزیه، محمدعلی افراشته، دارای آثار کوتاهی به شرح زیر است: تمزیه دیوان بلخ، تمزیه در بخش‌داری، تمزیه در کوره‌پزخانه، تمزیه قبله عالم<sup>۲۳</sup>.

از محمدعلی افراشته نمایشنامه‌های تاجر چترپاز و هرج و مرج در گیلان به روی صحنه رفته است.<sup>۲۴</sup>

افراشته شاعر و روزنامه‌نگار معروف حزب توده بود. او از قلم خویش به‌ویژه در اشعارش - اغلب اشعار گیلکی افراشته حکایت دیگری دارد - به عنوان یک وسیله تبلیغی استفاده می‌کرده است. در کلیه آثار نمایشی افراشته دو ویژگی دیده می‌شود: طنز اجتماعی ژورنالیستی و دیدگاه حزبی.

آقای فریدون نوزاد چند نسخه دستنویس، از نمایشنامه‌های این دوره را در اختیار من گذاشتند. از مجموعه این استاد، چهار اثر، که دارای ارزشهای نسبی در قلمرو نمایشنامه‌نویسی است، در زیر معرفی می‌شود:

۱- از عبدالعظیم یمنی یک نمایشنامه دو پرده‌ای به نام «مأمور دروازه» در دست است. این اثر کم‌دی - انتقادی است که در آن رشوه‌خواری کارمندان دولتی محور اصلی نمایشنامه را تشکیل می‌دهد.

نویسنده آشنایی کاملی با تکنیک نمایشنامه‌نویسی ندارد و از این‌رو، این اثر نمی‌تواند یک کار ماندگار باشد. نویسنده ولی توانسته کاریکاتورهای متنوعی از چهره رشوه‌خواران را تصویر کند. این اثر فاقد تاریخ نگارش است.

۲- نمایشنامه دیگری به نام «عمو رجب» در چهار پرده و هجده صفحه بزرگ در دست است. از نام نویسنده و تاریخ نگارش آن اطلاعی در دست نیست. عمو رجب، منوچهر، مه‌جبین و مه‌سیمما بازیگران این اثراند. منوچهر و مه‌سیمما دو تحصیل‌کرده و متورالفکر زمان خوداند که هر یک به‌صورت مجرد، در تنهایی خود زندگی می‌کنند و خلق و خوی غربی‌یی

در نیمه اول دهه ۱۳۴۰ محمد مشیری، که بعدها اشعار نیمائی او به زبان گیلکی، از وی چهره‌ای آشنا در ادبیات گیلان ساخت، نمایشنامه «آقا محمدخان قاچار» را نوشت و در رشت به روی صحنه برد. و ابراهیم ضمیر بازیگر تئاتر گیلان، نمایشنامه «اشتباه بزرگ» و نیز چند نمایشنامه دیگر را عرضه کرد. همو، در سال ۱۳۵۲ نمایشنامه‌ای به نام «وقتی که آسمان می‌گیرد» را چاپ کرد. در این نمایشنامه، ابراهیم ضمیر نشان می‌دهد که به عنوان یک بازیگر، صحنه تئاتر را خوب می‌شناسد، ولی با هنر نمایشنامه‌نویسی بیگانه است.<sup>۲۵</sup>

در باره آنچه که نویسندگان گیلان در سالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۴۰ برای صحنه تئاتر نوشته‌اند، به این دلیل که این آثار منتشر نشده‌اند و نسخه دستنویس آنها نیز در دسترس نیست، نمی‌توان قضاوت کرد.

در دهه چهل، با شکل‌گیری نمایشنامه‌نویسی در ایران، (به‌دست نمایشنامه‌نویسان بنام آن دوران از جمله غلامحسین ساعدی و دیگران)، «نمایشنامه روزنه آبی»، نوشته اکبر رادی، نوید آینده درخشانی را در قلمرو نمایشنامه‌نویسی در پی داشت. روزنه آبی، به لحاظ دید نو، استفاده بجای نویسنده از مجموعه شرایط اقلیمی در شکل دادن اثر، ثبت موقعیت یک دوره تاریخی در چهارچوب یک نمایشنامه، تولد دیگری در قلمرو کار نمایشنامه‌نویسان گیلان به حساب می‌آید.<sup>۲۶</sup>

روزنه آبی در سال ۱۳۳۸ نوشته شد و رادی در سال ۱۳۳۹، زنده‌یاد شاهین سرکیسیان، کارگردان بزرگ ایران را دید و در سال ۱۳۴۰ نمایشنامه، با حذف یکی دو شخصیت

دارند. رجب و مه‌جبین نوکر و کلفت این دواند. آنها به‌طور اتفاقی با یکدیگر آشنا می‌شوند و سفره دل خود را برای یکدیگر باز می‌کنند: هر یک آریایی مجرد و بدعق دارند و تنها راه نجات از دواج آنهاست. نویسنده در این اثر توانسته با خلق عناصر کم‌دی و پرداخت کلی نمایشنامه، لحظات زیبایی را تصویر کند.

۳- «کلاه، کلاه» عنوان نمایشنامه دیگری در هفت صفحه تأییدی است. این اثر نیز فاقد تاریخ و نام نویسنده است. این نمایشنامه به لحاظ تکنیک و پرداخت شخصیتها و زبان، همپای نمایشنامه عمو رجب است.

دو اثر یاد شده، بیشتر تحت تأثیر نمایشنامه‌های کم‌دی خارجی است.

۴- نمایشنامه «کاوه نو و ایران کهن»، درامی است در چهار پرده. این اثر در ۴۵ صفحه قلمی شده و از تاریخ و نام نویسنده آن در کتابچه اثری نیست. همانطور که از اسم نمایشنامه پیداست، این اثر دارای درونمایه ناسیونالیستی است. نویسنده سعی دارد با استفاده از حس وطن‌خواهی، جوانان «ایران کهن» را به رفتن سرپای تشویق کند. چرا که «دشمن» اطراف مرزهای «وطن» را احاطه کرده است. نویسنده با استفاده از شخصیت‌های گوناگون، نتوانسته خط اصلی نمایشنامه را، با توجه به اصول نمایشنامه‌نویسی، به مقصد برساند.

از سال ۱۳۳۲ به بعد، به‌لحاظ بگیر و ببند‌های حکومتی، صحنه‌های تئاتر گیلان، بسیاری از نیروهای خود را از دست می‌دهد. هرچند آثار «اخلاقی» و «میهنی» نوشته می‌شد و روی صحنه می‌رفت.

بازی، به پیشنهاد سرکیسیان، دستکاری شد و در سال ۱۳۴۱ به چاپ رسید.<sup>۲۷</sup> این گونه بود که اولین اثر رادی چاپ و اجرا شد.<sup>۲۸</sup>

در اکثر آثار رادی، ما شاهد تقابل و تضاد دو نسل و دو دیدگاه اجتماعی هستیم. روزه آبی، آغاز این منظومه بلند است.

پیله آقا در مرکز این حوادث ایستاده است. بازاری خشکی که از مال و منال خوبی برخوردار است. در مقابل او، فرزندانش احسان و افشان قرار دارند. دو جوان با آمال و اهدافی متضاد یا پدر. احسان در تهران زندگی می‌کند. ولی سایه او همواره پیله آقا را (در رشت) تمقیب می‌کند. رادی شرایط برزخی این زندگی را قلم می‌زند.

روزنه آبی در چاپ اول، فاقد زبان دراماتیکی و ساخت نمایشی بود. نویسنده بار دیگر این نمایشنامه را بازنویسی می‌کند. این کتاب در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسید. این اثر در سال ۱۳۵۵ به کارگردانی محمد یوسف ضابط و از تلویزیون پخش شد.

نمایشنامه «افول» در سال ۱۳۴۳ به چاپ رسید.<sup>۲۹</sup> این بار رادی یا همان احساساتی که در روزه آبی دیده شد، راهی ده می‌شود. جهانگیر، مهندس جوانی است که می‌خواهد در املاک پدر زنش، دست به اصلاحات بزند. ولی این طرحها، در جامعه بسته روستا رو در روی اندیشه‌های سنتی قرار می‌گیرد و تراژدی از همین‌جا آغاز می‌شود. جهانگیر «افول» به نوعی «احسان» روزه آبی است یا این تفاوت که شخصیت «احسان» از روزه آبی تا «افول»، از رشد اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شود. این اثر به لحاظ حجم و درونمایه

داستانی، می‌توانست در شکل يك رمان نیز متولد شود. چون عناصر نمایشی در این اثر حجیم، نمی‌توانست پاسخگوی صحنه باشد، این بار نیز نویسنده، از تجربیات خود سود می‌جوید و «افول» را با معیارهای قابل قبول در تئاتر همپراز می‌سازد. این نمایشنامه در سال ۱۳۴۹ به کارگردانی علی نصیریان، برای اولین بار، اجرا شد.

نمایشنامه «از پشت شیشه‌ها» در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید.<sup>۳۰</sup> رادی این بار فضایی کاملاً نو را تجربه می‌کند. «از پشت شیشه‌ها» بیانگر فروپاشی دو خانواده، با دو روش متفاوت زندگی اجتماعی است: آقای «یامداد» بعد از گذراندن يك دوره از زندگی خود - نویسنده آنرا برای ما مشخص نمی‌کند - دست به قلم می‌برد تا درباره حقایق زندگی مردم بنویسد. گذشت زمان او را، لای چرخ دنده‌های زندگی له می‌کند. می‌سال از زندگی او می‌گذرد و او درمی‌یابد که فقط می‌تواند زندگی خود را رقم بزند. رادی در این اثر کندوکاوی در زندگی واقعی و حقیقی آدمها دارد. این اثر اولین بار در سال ۱۳۴۸ به کارگردانی رکن‌الدین خسروی به روی صحنه رفت.

در نمایشنامه ارثیه ایرانی که در سال ۱۳۴۷ منتشر شد،<sup>۳۱</sup> موقعیت اجتماعی يك خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد: «عظیم» رو در روی پدرش «موسی» می‌ایستد، دختر خانواده نیز آرزوهای دیگری در سر دارد، و موسی خود درگیر مسائل شخصی خویش است. خانواده در پافت سنتی‌اش، فاقد توانایی ایستادگی در برابر خواست‌های بجا و نابجای جامعه است و بالطبع در جریان حوادث مورد تهاجم قرار می‌گیرد و ضربات اولیه بر ستون آن، از درون خانواده

بیرون آدمها در جامعه‌ای روستایی است. این سه تک پرده به کارگردانی عباس جوانمرد در سال ۱۳۴۶ از تلویزیون پخش شد.

با انتشار «لبختد باشکوه آقای گیل» در سال ۱۳۵۲،<sup>۳۲</sup> رادی سر آن داشت تا رمز و راز سقوط يك خانواده وابسته به فرهنگ فتوادی را عیان کند. علی‌قلی خان گیل که در روزگاران گذشته مردی پرتوان و صاحب املاک بود، امروزه پیرمردی مفلوک شده و شاهد نمایشی است که بازیگرانش را فرزندان او تشکیل می‌دهند. او سه پسر دارد، و هر يك، سودائی در سر. همسر او دیوانه بی‌آزایی است. مهرانگیر دختر کوچکترش يك روشنفکر است و دختر بزرگترش فروغ - الزمان دکتر روانشناس. رادی می‌خواهد از دیدگاه این زن این دختر زندگی واقعی این خانواده را عریان کند. این اثر، اولین بار در سال ۱۳۵۳ توسط رکن‌الدین خسروی به روی صحنه رفت.

نویسنده نمایشنامه «در مه بخوان» را به سال ۱۳۵۴، در فضایی دیگر خلق می‌کند.<sup>۳۳</sup> وی در این اثر، با دیدی واقع‌گرا، زندگی آموزگاران جوانی را که اغلب از شهرهای مختلف به این ده آمده‌اند، زیر ذره بین می‌برد. حضور اجباری آنان در ده، بحران درونی آنها را آشکارتر می‌سازد. تا جایی که رفتارشان، ابعاد فاجعه‌آمیزی به زندگی روستا می‌دهد. در میان این جمع تنها يك نفر - ناصر - زندگی روستائی را درک می‌کند. او از ولایت دیگر به این ده نیامده است.

«هاملت با سالاد فصل» در سال ۱۳۵۷ منتشر شد.<sup>۳۴</sup> این بار نویسنده، آدمهایی را به روی صحنه می‌کشد که رد پای آنها را قبلاً در دیگر آثارش دیده بودیم. منتها رادی در

وارد می‌شود. خلیل موحد دیلمتانی، این اثر را در سال ۱۳۴۹ در تهران اجرا کرد و نیز در سال ۱۳۵۶ اجرای تلویزیونی آن به کارگردانی محمد یوسف پخش گردید. رادی نمایشنامه «صیادان» را در سال ۱۳۴۸ منتشر کرد.<sup>۳۵</sup> وقایع نمایشنامه در يك شهر بندری در گیلان می‌گذرد. در يك شرکت خصوصی، صیادان با ابزارها و ترفندهای جدیدی استثمار می‌شوند. در میان کارگران این شرکت، یعقوب نامی، صیادان را دائم به شورش دعوت می‌کند. در نهایت کارگران از او پیروی می‌کنند. حاصل این شورش، مسندنشینی یعقوب است.

نویسنده با بررسی ویژگیهای روانشناسی فردی کارگران و نیز موقعیت اجتماعی و خانوادگی آنها، موضوع محوری نمایش را پیش می‌برد. «صیادان» رادی دو ویژگی عیان دارد: ۱- زبان نمایش، زبانی زنده است و در مجموع، آدمها، با توجه به شخصیت و نقششان، زبان ویژه خود را دارند. ۲- نمایشنامه از حرکت‌های درونی و بیرونی قوی برخوردار است. این مسئله باعث می‌شود تا شخصیت‌های نمایش در يك روند طبیعی شکل بگیرند. نمایشنامه «صیادان» اولین بار توسط فرامرز طالبی در سال ۱۳۵۲ در تالار فردوسی دانشگاه تهران، اجرا شد. «مرگ در پاییز»، منتشر شده در سال ۱۳۴۹، مجموعه سه نمایشنامه به هم پیوسته و تک پرده‌ای به نامهای «محاق»، «مسافران»، «مرگ در پاییز» از این نویسنده است.<sup>۳۶</sup> رادی در این اثر، بار دیگر پا به روستا می‌گذارد و این بار، نه به همراه جهانگیر - مهندس روشنفکر نمایشنامه افول - بلکه با مشدی، گل خانم، نقره، میرزا جان... چهره انسانی، بی هیچ پیرایه‌ای، همچون طبیعتی که در آن زندگی می‌کنند، تصویر می‌شود. زبان در خدمت توصیف درون و

اینجا، نکته‌دانی را در هزل و طنز می‌بیند. نمایش در سال ۱۳۶۶ بازتویسی می‌شود و توسط همادی مرزبان در سال ۱۳۷۰ به روی صحنه تئاتر شهر می‌رود.

«منجی در صبح نمناک»، در سال ۱۳۵۹ نوشته شد و ناشر آن را در سال ۱۳۶۵ منتشر کرد. ۳۷ این بار وقایع، در آستانه انقلاب شکل می‌گیرد؛ در برابر روشنفکران برج‌عاج- نشین فرصت‌طلب، دو دانشجو قرار دارند که نماد دیگری از این قشر به حساب می‌آیند. محمود شایگان، نمایشنامه‌نویس چهل ساله‌ایست که در محور وقایع قرار گرفته است. او همسری سه نام‌کتابیون دارد، با خواست‌ها و امیال ویژه خود. نمایش، بررسی روحیات پیچیده نویسنده و ارتباط او با آدمهایی است که گرد او جمع می‌شوند. این نمایش فرم متنوع‌تری نسبت به دیگر آثار رادی دارد، ولی از نظر ساخت، آسیب‌پذیر است.

نمایشنامه پلکان در سال ۱۳۶۱ نوشته و در سال ۱۳۶۸ منتشر شد.<sup>۳۸</sup> نویسنده در این اثر مستقیماً تحت تأثیر وقایع انقلاب قرار می‌گیرد. این تأثیر نه تنها در متن که در فرم نیز عیان است. پلکان در پنج پرده و در پنج فضای متفاوت، مجموعه‌ای از رفتارها و کردارهای انسانها را در بستر جامعه به نمایش می‌گذارد. «بلبل» در رأس شخصیت‌های پلکان قرار دارد. رادی از تابستان ۱۳۴۳، از «پسیخان» گیلان، تا تابستان ۱۳۵۷ در «فرمانیه» تهران، او را تعقیب می‌کند. پلکان، در مجموع نشانه رشد سرطانی مرد لپنی به نام «بلبل» است.

در نمایشنامه آهسته با گل سرخ، آخرین اثر چاپ شده اکبر رادی<sup>۳۹</sup>، خانواده عبدالحسین خان دیلمی، تاجر عمده

چای، کانون تمامی حوادث نمایشنامه است. دو عضو دیگر فامیل - جلال و ساناز - این خانواده را در شکل‌گیری‌نهایی يك قاچمه، یاری می‌رسانند. سینا، پسر سر به هوای عبید- الحسین‌خان‌دیلمی، در تضاد با شخصیت پسر عموی خود جلال است. جلال شاگرد اول کنکور معماری است و از رشت به تهران آمده و در خانه آنها پیتوته کرده‌است. این تضاد نطفه اصلی تراژدی آهسته با گل سرخ است. این نطفه با حضور ساناز - دختر خاله سینا - شکوفا می‌شود و تا شهادت جلال به اوج می‌رسد.

آهسته با گل سرخ، نمایشنامه‌ایست ظریف و در عین حال ساده و زیبا. این اثر به کارگردانی هادی مرزبان در اردیبهشت ۱۳۶۷ در تئاتر شهر نمایش داده شد. رادی به شهادت کلیه آثارش، واقعیت‌های زمانه خود را ثبت کرده است.

محمود طیاری نویسنده دیگری از خطه گیلان است. او نمایشنامه گلیانگ را در سال ۱۳۴۰ در چهار پرده به رشته نگارش کشید و در سال ۱۳۵۰ آن را به چاپ رساند.<sup>۴۰</sup> از این نویسنده قبلاً چند اثر داستانی منتشر شده بود از جمله طرح‌ها و کلاغها (مجموعه طرح‌ها و داستانهای کوتاه). «گلیانگ» اولین نمایشنامه بلند طیاری است؛ دانشجوی وارد دهی در شمال می‌شود. او قصد دارد پافت سنتی اقتصادی و اجتماعی ده را در هم بریزد. طیاری در این نمایش اثر زبانی تقریباً باز دارد. فضا، جابه‌جا، امکان‌بروز شخصیتها را در روند شکل‌گیری نمایش امکان‌پذیر می‌سازد. این نویسنده، نمایشنامه کوتاه قیصر را در سال ۱۳۴۷ در جنگ فصلهای سبز چاپ می‌کند.<sup>۴۱</sup> او در این نمایشنامه دیگر

چای، کانون تمامی حوادث نمایشنامه است. دو عضو دیگر فامیل - جلال و ساناز - این خانواده را در شکل‌گیری‌نهایی يك قاچمه، یاری می‌رسانند. سینا، پسر سر به هوای عبید- الحسین‌خان‌دیلمی، در تضاد با شخصیت پسر عموی خود جلال است. جلال شاگرد اول کنکور معماری است و از رشت به تهران آمده و در خانه آنها پیتوته کرده‌است. این تضاد نطفه اصلی تراژدی آهسته با گل سرخ است. این نطفه با حضور ساناز - دختر خاله سینا - شکوفا می‌شود و تا شهادت جلال به اوج می‌رسد.

آهسته با گل سرخ، نمایشنامه‌ایست ظریف و در عین حال ساده و زیبا. این اثر به کارگردانی هادی مرزبان در اردیبهشت ۱۳۶۷ در تئاتر شهر نمایش داده شد.

رادی به شهادت کلیه آثارش، واقعیت‌های زمانه خود را ثبت کرده است.

محمود طیاری نویسنده دیگری از خطه گیلان است. او نمایشنامه گلیانگ را در سال ۱۳۴۰ در چهار پرده به رشته نگارش کشید و در سال ۱۳۵۰ آن را به چاپ رساند.<sup>۴۰</sup>

از این نویسنده قبلاً چند اثر داستانی منتشر شده بود از جمله طرح‌ها و کلاغها (مجموعه طرح‌ها و داستانهای کوتاه). «گلیانگ» اولین نمایشنامه بلند طیاری است؛ دانشجوی وارد دهی در شمال می‌شود. او قصد دارد پافت سنتی اقتصادی و اجتماعی ده را در هم بریزد. طیاری در این نمایش اثر زبانی تقریباً باز دارد. فضا، جابه‌جا، امکان‌بروز شخصیتها را در روند شکل‌گیری نمایش امکان‌پذیر می‌سازد. این نویسنده، نمایشنامه کوتاه قیصر را در سال ۱۳۴۷ در جنگ فصلهای سبز چاپ می‌کند.<sup>۴۱</sup> او در این نمایشنامه دیگر

حال و هوای گلیانگ را ندارد. زبان رمزگونه و شاعرانه او در قصه‌ها به نمایشنامه نیز سرایت می‌کند. این زبان در نمایشنامه به تک‌پرده‌ای «پیامبر» نیز که در رشت اجرا شد، حضوری عیان دارد.

«مار خانگی» در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسید.<sup>۴۲</sup> این نمایش را طیاری به کوچک خان چنگلی تقدیم کرده‌است. شخصیت‌های این اثر، در فضایی مه‌آلود، آمیزه‌ای از اسطوره و تخیل شاعرانه است.

در نمایشنامه کوتاه مطالعات خسیس، طیاری يك قدم به تکنیک مدرن نمایشنامه‌نویسی نزدیک می‌شود: در محوطه يك درمانگاه در شمال، دکتری بی‌حوصله، در حال معاینه بیماران است. دقت‌دار، شخصیتی نزدیک به او دارد و شاعر مسلک است. بزرگترین هنر او تف انداختن به روی مورچه‌هاست. تا با شیتمی در لانه مور طوفانی برپا کند. آنان همه چیز را دست می‌انندازند و به مسخره می‌گیرند. طیاری در نمایشنامه کوتاه تا زیر میز فر مانده، يك قدم بیشتر با واقعیات زندگی روزمره انسانها نزدیک‌تر می‌شود. طیاری دو ویژگی عمده در نمایشنامه نویسی دارد: نخست آن که زبان او، زبان شعر است. کوتاه می‌نویسد و سعی دارد با بازی کلمات در شکل‌گیری شخصیتها، تأثیر بگذارد. دیگر این که زبان شاعرانه او، زبان تصویر است، و به معنای دیگر، طیاری در نمایشنامه نویسی، شاعری تصویرگراست. ابعاد در زبان و تصویر، کلام اول و آخر اوست.

طیاری جزو آن دسته از نمایشنامه‌نویسان ایران است که نه خود تجرب به کار در صحنه را داشته و نه صحنه این‌امکان را برای او فراهم آورده است تا تجربیات توشتراری او را در

چاپ آن در سال ۱۳۴۷، تجربه دیگری را در قلمرو نمایشنامه‌نویسی گیلان آغاز کرد. از او يك نمایشنامه کوتاه دیگر نیز به‌جای مانده است.<sup>۴۴</sup> «خسر یا بار نمک» در زمان خود، از جاذبه‌های زیادی برخوردار شده بود و بارها و بارها در چهار گوشه ایران به روی صحنه رفت. مسعودی با قرار دادن يك روستائی در موقعیتهای متفاوت در برابر يك «رخمی» و يك «نویسنده» روشنگر، به شکل تمادین، این فضاها را مورد بررسی قرار می‌دهد. ذهنیت تلخ احمد مسعودی، در این اثر، با توجه به ساختار نمایش و نیز بهره‌گیری از فلسفه تئاتر پوچی در رشد ادما و برخورد آنها باهم، نمایشی نو در زمان خود ساخته بود.

محمود مسعودی نیز با نوشتن يك نمایشنامه کوتاه به نام «برای فقتار پیر دندان مصنوعی باید خرید» در سال ۱۳۲۸، کارنامه نمایشنامه‌نویسی خود را در گیلان باز می‌کند و می‌بندد.<sup>۴۵</sup> این نمایشنامه به نوعی عصاره خر با بار نمک بود و خلاصه‌نویسی شده آن منتسب به بهره‌گیری استوارتر از فلسفه تئاتر پوچی. این نمایشنامه در سال ۱۳۴۹ توسط فرامرز طالبی در تهران به روی صحنه رفت.

محمود رهبر نمایشنامه «فریاد» را در اوائل دهه ۱۳۵۰ نوشت. رهبر در اولین اثر نمایشی خود، بر روی بخشی از مشکلات روستائیان گیلان انگشت می‌گذارد. «فریاد» را هادی مرزبان در سال ۱۳۶۱ در مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه برد. بعد از این نمایشنامه سه چاپ نشده - محمود رهبر دیگر سراغ روستائیان گیلان نرفت. «در همین حوالی» اولین نمایشنامه بلند چاپ شده محمود رهبر است<sup>۴۶</sup> که در ضمن پایان‌نامه لیسانس وی از دانشکده هنرهای دراماتیک نیز

هست.<sup>۴۷</sup> این اثر دارای قضائی تمثیلی است. «مخمس» یا «شرح زندگانی يك آدم متوسط»، نمایشنامه دیگر این نویسنده است. در این اثر، محمود رهبر سعی دارد تا مشکلات مردم جنوب شهر - حاشیه‌نشینان - تهران را مطرح سازد. از این رو نویسنده تمام تلاش خود را صرف نشان دادن موقعیت اجتماعی، اقتصادی و شرایط زیستی قشرهای مختلفی که در این نقطه از شهر گرد آمده‌اند، می‌کند. این اثر در سال ۱۳۶۲ به کارگردانی فرهاد مجدآبادی در تالار سنگلج به روی صحنه رفت. براساس این نمایشنامه، يك مجموعه تلویزیونی نیز تهیه و از سیمای جمهوری اسلامی ایران، پخش شد.

آخرین اثر نمایشی چاپ شده محمود رهبر، «سرزمین نیمروز» است. این نمایشنامه بلند در دو پرده نوشته شده و نگارش آن از زمستان ۱۳۶۳ شروع و در تابستان ۱۳۶۷ به پایان رسیده است. در این نمایشنامه، نویسنده با استفاده از شگرد تئاتر در تئاتر، در يك فضای تمثیلی با بهره‌گیری از تلفیق افسانه‌های ایرانی با مسائل مورد نظر خود، سعی در عرضه يك کار تونموده است. شخصیت محوری این اثر يك «باز» دست‌آموز در شهر نیمروز است. بعد از مرگ هر حاکمی، او حاکم جدید را انتخاب می‌کند. مرد عیاری به‌شهر می‌آید. او در ظاهر پهلوانی عدالتخواه است. بعد از مرگ حاکم، باز باید حاکم جدیدی را انتخاب کند. باز در روز مقرر، برخلاف قاعده، بر سر مرد عیاری می‌نشیند. او نیز برخلاف گفتار خود عمل می‌کند. افسانه نیمروز بعد از نمایشنامه «در همین حوالی» دومین اثر تمثیلی محمود رهبر است.

م. ا. به‌آذین (محمود اعتمادزاده) در سال ۱۳۵۵

نمایشنامه «کاو» را نوشت و آن را در شهر کلن آلمان منتشر ساخت. این اثر در پنج پرده نوشته شده است.<sup>۴۸</sup> نمایشنامه، در اصل، اقتباسی از شاهنامه فردوسی است. و در مجموع، فاقد ترفندهای هنرستانه در عرصه نمایشنامه‌نویسی است.

فرامرز طالبی در سال ۱۳۵۰ دو نمایشنامه کوتاه خود را در يك مجموعه به نام شب طویل طلوع منتشر کرد.<sup>۴۹</sup> این دو نمایشنامه با نامهای شب طلوع و خانه پارانی در سان ۱۳۵۱ به کارگردانی نویسنده در تالار فردوسی دانشکده تهران به روی صحنه رفت. در این دو اثر نویسنده سعی دارد تا انگیزه‌های فرار روستائیان به شهر را به نمایش بگذارد. او در سال ۱۳۵۵ نمایشنامه بلند «خورشید بر پام» را نوشت<sup>۵۰</sup> و در سال ۱۳۵۷ مجموعه تک‌پرده‌ایها را. در سال ۱۳۶۷ نمایشنامه بلند آوای جنگلی را منتشر کرد.<sup>۵۱</sup> در قلمرو پژوهشهای تئاتری «نمایشنامه شیخ علی‌میرزای حاکم بروجرد...» نوشته میرزا رضاخان طباطبائی نائینی به کوشش محمد گلین و فرامرز طالبی نشر یافته است.<sup>۵۲</sup> زندگی و آثار نمایشی گریگور یقیکیان و نگاهی به تئاتر گیلان از دیگر آثار اوست که در دست چاپ است.

علیرضا پارسی از جمله نمایشنامه‌نویسان این منطقه است. نمایشنامه «لعله‌های سبز جنگل» و نیز دو تک‌پرده کوتاه برای کودکان به نامهای «قصه پدر بزرگ» و «خرگوش نادان» از آثار نشر یافته اوست.<sup>۵۳</sup> از دیگر نویسندگان گیلانی که آثارشان به چاپ رسیده باید از بهزاد عشقی نویسنده و کارگردان نام برد. نازنین و امید، طلسم اجنه‌ها، چشم الماس و... از آثار اوست که

جملگی در گیلان به روی صحنه رفته است. نمایشنامه چشم الماس، در یکی از جشنواره‌های سالهای اخیر برنده بهترین متن نمایشی شده است. بهزاد عشقی یکی از نویسندگان و کارگردانهای پرکار تئاتر گیلان است. فرهنگ توحیدی نمایشنامه «چنگیزخان در آئینه خوارزم» را از خود به یادگار گذاشت. این اثر نیز در گیلان به روی صحنه رفته است. علی حاج عسگری نویسنده چند نمایشنامه است و کتاب تاریخیه تئاتر گیلان را نیز او نوشته است. حاج علی عسگری اغلب آثار خود را در گیلان به روی صحنه برده. محمود پدر طالبی، فرهاد پاک‌سرشت، غلامحسین منیرزاد (نویسنده نمایشنامه گوهر آفرینش - این اثر گویا چاپ شده ولی نتوانستیم به آن دسترسی پیدا کنیم) علیرضا عیسی پور، محمد راد و... از دیگر نمایشنامه‌نویسان گیلان هستند که آثارشان به روی صحنه رفته. همانطور که اشاره شد، این آثار به‌چاپ نرسیده و یا راقم این سطور به آنها دسترسی پیدا نکرده است تا بتواند درباره آنها بنویسد.

گیلان، سابقه هفتاد ساله در نمایشنامه‌نویسی ایران دارد. دوره اول نمایشنامه‌نویسی گیلان (۱۳۰۵-۱۳۰۰) درخشان‌ترین دوره نمایشنامه‌نویسی این خطه است. آثار به‌جای مانده از گریگور یقیکیان، در این مقطع تاریخی، جزئی از گنجینه ادبیات نمایشی کشورمان به حساب می‌آید. اگرچه، بسیاری از نمایشنامه‌های نوشته شده این دوره در دست نیست تا بتوان يك ارزشیابی کلی از آن داشت.

سالهای ۱۳۳۲-۱۳۳۰، دور دوم تلاش نویسندگان گیلان به حساب می‌آید. فریدون نوزاد، چهره شاخص این دوره است. در این زمان، زندگی روزمره مردم، جسدا از

هیاهوی سیاسی، آرام آرام، جای خود را در آثار نمایشی تثبیت می‌کند.

در دهه چهل با شکل‌گیری نمایشنامه‌نویسی در ایران و با حضور نویسندگانی چون غلامحسین ساعدی، علی نصیریان و... در پهنه کشور، اکبر رادی، نویسنده پرکار و توانای گیلانی، به‌گونه جدی پا به قلمرو نمایشنامه‌نویسی کشورمان گذاشت. از او تا امروز میزده نمایشنامه منتشر شده است که اغلب آنها بارها و بارها در گوشه و کنار ایران به روی صحنه رفته است. اغلب آثار رادی به نوعی از فرهنگ گیلان تغذیه می‌شود. این مسئله خاصه در قلمرو زبان و استفاده بجا از اصطلاحات گیلکی نمود روشنی دارد.

نویسندگان جوان گیلان، با استفاده از قدمت نمایشنامه‌نویسی در این خطه، می‌توانند گام‌های استواری در این راستا بردارند تا این درخت هفتاد ساله بتواند از شاخه و برگ پربارتری برخوردار شود.